

هدایت الهی

- ۱- حیات روح بشر وابسته به اجابت دعوت خدا و پیامبر است.
- ۲- نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود.

سه نیاز برتر انسان

- ۱- شناخت هدف زندگی: انسان می‌خواهد بداند برای چه زندگی می‌کند؟
 ◉ حدیث: «خدایا ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای»
- ۲- درک آینده خویش: انسان می‌خواهد بداند آیا زندگی او با مرگ تمام می‌شود؟ اگر انسان زندگی ابدی را پس از مرگ آغاز خواهد کرد نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟ زاد و ۱

توشه سفر به جهان دیگر چیست؟

۳- کشف راه درست زندگی:

انسان فقط یک بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند؛ بنابراین در این فرصت تکرارنشدنی، باید راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد.

﴿وَالْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

از دست رفتن عمر زیان بزرگی است که انسان را تهدید می‌کند و با ایمان و عمل صالح و توصیه به حق و صبر می‌توان از آن جلوگیری کرد.

👉 دو ویژگی ضروری پاسخ نیازهای برتر

۱- کاملاً درست و قابل اعتماد: پاسخ احتمالی

و مشکوک نیازمند آزمون است؛ در حالی که

عمر آدمی محدود است.

۲- همه جانبه: به نیازهای مختلف انسان (جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی) به صورت هماهنگ پاسخ دهد.

👉 دو ویژگی کسی که می تواند پاسخ به این نیازها را ارائه دهد

۱- آگاهی کاملی از ابعاد خلقت انسان و جایگاه او در نظام هستی داشته باشد.

۲- بداند که انسان ها پس از مرگ، چه سرنوشت و عاقبتی دارند.

خداوند هر مخلوقی را متناسب با ویژگی هایی که در وجودش قرار داده است، هدایت می کند. از ویژگی های انسان، توانایی تفکر و قدرت اختیار و انتخاب اوست.

خداوند برنامه هدایت انسان را، از طریق پیامبران می فرستد تا انسان ها با تفکر و پی بردن به

امتیازات این برنامه، با اختیار خود آن را

انتخاب کنند و به هدفی که خداوند در خلقت آنها قرار داده است، برسند.

امام کاظم: «خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند. آنان که در تعقل برترند، نسبت به فرمان های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل تر است، رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»

◉ با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می توان به پاسخ سؤال های اساسی دست یافت.

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا»

قرآن کریم کسی را که برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند برگزیند را ناسپاس می خواند؛

چون هر برنامه ای غیر از برنامه خدا نمی تواند

پاسخ درستی به آن نیازها بدهد و انسان

زیان خواهد کرد.

«رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»:
«خداوند رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و انذارکننده باشند تا برای مردم حجت تمام شود.»

درس دوم

تداوم هدایت: قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند، مگر پس از آن‌که به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.

گروه آموزشی عمیر
ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست
(حق‌گرا) و مسلمان بود. www.my-dar.com

دین به معنای راه و روش است.

راه و روشی که خداوند برای زندگی انسان‌ها

برگزیده، همان دین الهی است که بدان اسلام می‌گویند.

فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است.

ویژگی‌های فطری مشترک انسان‌ها:

- ۱- از تفکر و اختیار برخوردارند.
- ۲- فضیلت‌های اخلاقی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی بیزارند.
- ۳- به دنبال کمالات نامحدودند.
- ۴- در جست‌وجوی زندگی جاودانه هستند.

◉ به سبب ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند «یک» برنامه کلی به انسان‌ها ارزانی داشته، تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند و آن برنامه اسلام است به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند.

محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است و همه آنها یک دین آورده‌اند. تعالیم انبیاء در ۶

برخی احکام فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره با دوره‌ای دیگر تفاوت داشته است.

عِلل فرستادن پیامبران متعدد

۱- استمرار و پیوستگی در دعوت:

لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی در طول زمان‌های مختلف دین الهی را تبلیغ می‌کردند. این تداوم سبب شد تا تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

۲- رشد تدریجی سطح فکر مردم:

«إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»

www.my-dars.ir

هر پیامبری که مبعوث می‌شد، درباره توحید،

معاد، عدالت، عبادت خداوند و مانند آن سخن گفته، اما بیان او در سطح فهم و درک مردم زمان خود بوده است.

۳- تحریف تعلیمات پیامبر پیشین:

به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیاء به تدریج فراموش می شد یا به گونه ای تغییر می یافت که با اصل آن متفاوت می شد، پیامبران بعدی تعلیمات اصیل و صحیح را بار دیگر به مردم ابلاغ می کردند.

عوامل ختم نبوت

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه

کامل زندگی www.my-dars.ir

در عصر نزول قرآن، با این که مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری

و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می‌توانست کامل‌ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به‌دست آورد. به همین جهت با ورود اسلام به سرزمین‌هایی مانند ایران، عراق، مصر و شام نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان فراوانی ظهور کردند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف

با تلاش مسلمانان و پیامبر در جمع‌آوری و حفظ قرآن و در پرتو عنایت الهی، هیچ کلمه‌ای بر قرآن افزوده یا از آن کم نگردید؛ به همین جهت این کتاب نیازی به تصحیح ندارد و جاودانه می‌ماند.

۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم (ص) تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر، به‌جز دریافت وحی

ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد.

۴- پویایی و روزآمد بودن دین اسلام

انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد:

نیازهای ثابت همانند امنیت، عدالت، دادوستد با دیگران، تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت نیازهای متغیر که از درون نیازهای ثابت پدیدمی آیند.

قرآن کریم برای این نیاز ثابت داد و ستد، یک قاعده و اصل ثابت دارد:

«أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا:» «خداوند معامله را حلال کرده است، اما ربا را حرام» اما شیوه داد و ستد، ممکن است در هر زمان تغییر کند.

در هریک از موارد داد و ستد، ربا شکل خاصی

پیدا می‌کند. شکل‌های خاص نیازهای متغیر ما هستند که فقیهان براساس آن اصل ثابت و با تحقیق و مطالعه در کتاب و سنت، شکل‌های خاص ربا و معامله در این زمان را معین می‌کنند.

هر پیامبری که می‌آمد به آمدن پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد؛ بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از پیامبران گذشته است.

تنها دینی که می‌تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند، اسلام است؛ چون اکنون تنها کتابی که بدون شک دچار تحریف نشده، قرآن است:

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ «و هر کس ۱۱

که دینی جز اسلام اختیار کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.» پیامبران مانند فروشندگان کالا نیستند که هر کدام برای خود مغازه‌ای باز کرده و کالای خود را تبلیغ می‌کنند و مردم می‌توانند بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند بلکه پیامبران مانند معلمان یک مدرسه‌اند که پایه‌های مختلف تحصیلی را به ترتیب تدریس کرده و هر کدام مطالب سال قبل را تکمیل می‌کنند. آنان مردم را به سوی خدا دعوت می‌کردند نه به سوی خود، همه یک راه و یک سخن داشته‌اند و همه یکدیگر را تأیید کرده‌اند؛ بنابراین، اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد، در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است.

معجزه جاویدان

هرگاه پیامبری از سوی خداوند مبعوث می‌شد، برای این‌که مردم دریابند که وی با خداوند ارتباط دارد و از طرف او مأمور به پیامبری شده است، کارهای خارق‌العاده‌ای انجام می‌داد که هیچ‌کس بدون تأیید و اذن خداوند قادر به انجام آنها نبود. قرآن کریم این کارهای خارق‌العاده را آیت؛ یعنی نشانه و علامت نبوت می‌خواند و اندیشمندان اسلامی آن را معجزه می‌نامند؛ زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد در این امور آشکار می‌شود.

ویژگی معجزه آخرین پیامبری عصر

علاوه بر مردم زمان خودش، آیندگان نیز به معجزه بودن آن اعتراف کنند و آن را فوق توان بشری بدانند.

خداوند معجزه اصلی پیامبر اکرم را قرآن کریم قرار داده است و برای اثبات نهایت عجز و ناتوانی به کسانی که در الهی بودن آن شک دارند، پیشنهاد کرده تا یک سوره مانند سوره‌های قرآن بیاورند، اما تأکید می‌کند که هیچ‌گاه نمی‌توانند همانند قرآن را بیاورند.

📖 جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

۱- اعجاز لفظی: هر کس با زبان عربی آشنا باشد، به محض خواندن قرآن، درمی‌یابد که آیات آن با سایر سخن‌ها کاملاً فرق می‌کند و به شیوه‌ای خاص بیان شده است. ساختار زیبا و آهنگ موزون و دلنشین کلمه‌ها و جمله‌ها، شیرینی بیان و رسایی تعبیرات با وجود اختصار سبب شده بود که سران مشرکان، مردم را از شنیدن قرآن منع کنند. زیبایی لفظی، سبب نفوذ خارق‌العاده این کتاب آسمانی در افکار ۱۴

و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادیبان و دانشمندان تحت تأثیر آن مسلمان شده‌اند.

۲- اعجاز محتوایی:

قرآن کریم از نظر محتوا و مطالب آن ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ اندیشمندی تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن، چیزی ننوشته و آموزشی ندیده است. این جنبه از اعجاز برای کسانی که زبان قرآن را نمی‌دانند و فقط از ترجمه‌ها استفاده می‌کنند نیز قابل فهم و ادراک است.

اعجاز محتوایی شامل موارد زیر است:

الف) انسجام درونی در عین نزول تدریجی:

آثار اولیه دانشمندان با آثار دوران پختگی آنها متفاوت است و دانشمندان معمولاً در نوشته‌های خود تجدیدنظر و اصلاح می‌کنند.

با این که بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده و درباره موضوعات متنوع سخن گفته است، نه تنها میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگی دارند و همدیگر را تأیید می کنند.

ب) تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت:

در هر دوره ای از زمان، مجموعه ای از افکار، عقاید و آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می شود، مردم را کم و بیش تحت تأثیر قرار می دهد. فرهنگ مردم حجاز آمیزه ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک آلود بود. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت، بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع هایی همچون عدالت

خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر
انسان‌ها سخن گفته است.

(ج) جامعیت و همه جانبه بودن: قرآن کریم فقط
از امور معنوی، یا آخرت و رابطه انسان با خدا
سخن نمی‌گوید؛ بلکه از زندگی مادی و دنیوی
انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه وی با
انسان‌های دیگر سخن می‌گوید.

امام باقر: خداوند آنچه را که امت تا روز قیامت به
آن احتیاج دارد، در کتابش [قرآن] آورده است.

(د) ذکر نکات علمی بی‌سابقه: در جامعه‌ای که
علم و دانش جایگاهی نداشت، قرآن کریم به
برخی نکات علمی اشاره می‌کند که در تمام
دنیای آن روز بی‌سابقه بود و بعدها به مرور زمان
توسط دانشمندان کشف گردید:

۱- نیروی جاذبه

تا قبل از قرن هجدهم میلادی دانشمندان فکر می‌کردند که ستارگان به سقف آسمان‌ها چسبیده‌اند و به همین علت نمی‌افتند، اما قرن‌ها قبل از آن، قرآن کریم از وجود جاذبه میان ستارگان خبر داد و آن را عامل درهم نرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود: «خداوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است.»

۲- انبساط جهان

نظریه انبساط جهان، یکی از مهم‌ترین کشفیات نجومی انسان در قرن بیستم است. بر طبق این نظریه، کهکشان‌ها با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال حرکت و فاصله گرفتن از یکدیگرند که در نتیجه آن، جهان هستی مدام در حال گسترش و انبساط است.

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمَوَسِعُونَ»: «و آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.»

درس چهارم

سه مسئولیت مهم پیامبر اکرم (ص)

۱- دریافت و ابلاغ وحی

رسول خدا آیات قرآن کریم را به‌طور کامل از فرشته وحی دریافت می‌کرد و بدون ذره‌ای کم یا زیاد به مردم می‌رساند. همچنین نویسندگانی را مأمور نوشتن قرآن نمود (کاتبان وحی). عده زیادی نیز با اشتیاق، آیات قرآن را فرا می‌گرفتند و در سینه خود حفظ و به آن عمل می‌کردند (حافظان وحی).

۲- تعلیم و تبیین تعالیم قرآن (مرجعیت دینی)

پیامبر اکرم (ص)، وظیفه تعلیم و تبیین آیات قرآن کریم را نیز بر عهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند قرآن و جزئیات احکام و قوانین و شیوه عمل کردن به آن دست یابند. از این رو، گفتار و رفتار پیامبر اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان با مراجعه به گفتار و رفتار آن حضرت، به معنای واقعی بسیاری از معارف قرآن پی می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.

۳- اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی

گروه آموزشی عصر

(ولایت ظاهری)

www.my-dars.ir

مسئولیت دیگر پیامبر اکرم ولایت بر جامعه

است. ولایت به معنای سرپرستی و رهبری

است. ایشان به محض این‌که مردم مدینه

اسلام را پذیرفتند، به این شهر هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه آمده بودند (مهاجران)، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، پی‌ریزی نمود.

روایات متعدد اسلام را بر پنج پایه (نماز و زکات و روزه و حج و ولایت) استوار دانسته و ولایت را مهم‌ترین پایه شمرده است.

📌 ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

۱- ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام:

یکی از اهداف ارسال پیامبران ایجاد جامعه‌ای بر پایه عدل بود که بدون وجود یک نظام حکومتی سالم، میسر نیست.

همچنین قرآن کریم احکام اجتماعی متعددی دارد؛ مانند خمس، زکات، حقوق و مسئولیت‌های خانواده و جامعه، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد با تجاوزگران و ۲۱

ستمکاران. روشن است که اجرای این قوانین، بدون تشکیل حکومت امکان پذیر نیست.

۲- ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت:

اجرای هر قانون و پیروی از هر کس، هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او بازگردد. کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که فرمان و قانونشان نشأت گرفته از فرمان الهی نیست، طاغوت نامیده می‌شوند. پذیرش حکومت طاغوت و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است.

ولایت معنوی رسول خدای عصر

ولایت معنوی همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست که مرتبه‌ای برتر و بالاتری از ولایت ظاهری شمرده می‌شود. رسول خدا با انجام

وظایف بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید.

به‌طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، بلایی را از شخص یا جامعه دور نماید و حاجات مردم را در صورتی که صلاح آنها در آن باشد، برآورده سازد.

ایشان با استفاده از این قدرت و ولایت، دل‌های آماده را نیز هدایت می‌کند. البته این هدایت، یک کار ظاهری، یعنی از طریق آموزش معمولی و عمومی نیست؛ بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات و مانند آن، صورت می‌گیرد. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت به درجه ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت

هدایت‌های معنوی را بیشتر کسب می‌کنند:

امام علی: روزی رسول خدا هزار باب از علم را به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می‌شد.

عصمت پیامبر اکرم

یکی از ویژگی‌های پیامبران عصمت است، به معنای محفوظ بودن از گناه؛ یعنی آنان کارهایی را که خداوند واجب کرده، انجام می‌دادند و کارهایی را که خداوند حرام کرده، ترک می‌کردند و این لازمه پیامبری آنان بود؛ زیرا بدون عصمت، اعتماد مردم به پیامبران از بین می‌رفت و از آنان پیروی نمی‌کردند. بدون وجود عصمت، مسئولیت پیامبری به نتیجه نخواهد رسید؛ زیرا: اگر پیامبری در دریافت وحی و ابلاغ آن به مردم معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی‌رسد و امکان هدایت از مردم سلب می‌شود.

اگر پیامبری در تعلیم و تبیین دین و وحی

الهی معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می‌شود و اعتماد مردم به دین از دست می‌رود. اگر پیامبری در اجرای احکام الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی که مخالف دستورهای خداست، انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و مانند او عمل کنند و به گمراهی دچار شوند.

فقط خداوند است که از آشکار و نهان افراد اطلاع دارد و می‌تواند توانایی فرد در دوری از گناه را تشخیص دهد. بنابراین، وقتی خداوند کسی را به پیامبری برمی‌گزیند، معلوم می‌شود که وی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد. «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»

پیامبران با این‌که مانند ما انسان‌ها غریزه و اختیار دارند، دچار گناه نمی‌شوند؛ زیرا کسی گناه می‌کند که هوی و هوس بر او غلبه کند و کسی که حقیقت گناه و معصیت را مشاهده

می‌کند و می‌داند که با انجام آن از چشم خدا می‌افتد و از لطف و رحمت او دور می‌شود، محبت به خداوند را با هیچ چیز عوض نمی‌کند.

درس پنجم

امامت، تداوم رسالت

در میان مسئولیت‌های رسول خدا، دریافت و ابلاغ وحی با ختم نبوت پایان می‌پذیرد.

امام همه مسئولیت‌های پیامبر اکرم جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد؛ بنابراین، باید همان صفات و ویژگی‌های پیامبر را نیز داشته باشد تا مردم به وی اطمینان کنند و راهنمایی‌های او را بپذیرند. یکی از این ویژگی‌ها عصمت است،

پس تنها خداوند است که می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند و به مردم بشناساند.

خداوند، علی بن ابی طالب را به جانشینی رسول

خدا و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده و نیز امامان معصوم پس از ایشان را معرفی کرده است.

👉 دلایل امامت حضرت علی از جانب خدا

۱- نزول آیه انذار

سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد:

«و أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»: «خویشان نزدیکت را انذار کن.»

برای انجام این دستور، رسول خدا چهل نفر از بزرگان بنی هاشم را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به دین اسلام فراخواند. همه مهمانان سکوت کردند و جوابی ندادند. میان سکوت آنان، علی بن ابی طالب که در آن زمان نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

«من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا»

درخواست پیامبر سه بار مطرح شد و هر

بار، همه سکوت کردند و تنها علی قاطعانه اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر دست آن حضرت را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.

۲- نزول آیه ولایت

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»: «همانا ولی شما خداوند و رسول اوست. و مؤمنانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.»

● معرفی جانشین پیامبر با اشاره به انفاق انگشتر حضرت علی در هنگام رکوع در مسجد به فقیری که در خواست کمک می‌کرد.

۳- حدیث جابر

در توضیح کلمه اولی الامر در این آیه:

«یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَ اُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»

◉ پیامبر اکرم خطاب به جابر می فرماید: «آنان
جانشینان من و امامان بعد از من اند. نخستین
آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب،
حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن
الحسین، محمد بن علی؛ و تو در هنگام پیری
او را خواهی دید و هر وقت او را دیدی، سلام
مرا به او برسان. پس از محمد بن علی به ترتیب،
جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن
موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن
علی و پس از ایشان فرزندش می باشد که هم نام
و هم کنیه من است. اوست که از نظر مردم
پنهان می شود و غیبت او طولانی می گردد تا
آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند،

بر عقیده به او باقی می‌مانند.»

۴- حدیث ثقلین:

«اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلِیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَ عِترَتِیْ
اَهْلَ بَیْتِیْ مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهَمَا لَنْ تَضِلُّوْا اَبَدًا وَ
اِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ»: «من در
میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم: کتاب خدا
و عترتم، اهل بیتم را. اگر به این دو تمسک
جوئید، هرگز گمراه نمی‌شوید و این دو هیچ‌گاه
از هم جدا نمی‌شوند، تا این‌که کنار حوض کوثر
بر من وارد شوند.»

۵- حدیث منزلت:

وقتی خداوند حضرت موسی را مأمور مبارزه
با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست
که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک
در امر هدایت مردم قرار دهد؛ خداوند
نیز پذیرفت.

پیامبر اکرم بارها به حضرت علی فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ

بَعْدِي»: «تو برای من به منزله هارون برای موسی

هستی؛ جز این که بعد از من پیامبری نیست.»

۶- حدیث غدیر: پیامبر گرامی اسلام در سال

دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را برای

آخرین بار به جا آورد که این حج به حجة البلاغ

یا حجة الوداع مشهور شد.

در این حج، حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده

بودند تا روش انجام دادن اعمال حج را از رسول

خدا فراگیرند و حج را با ایشان به جا آورند. در

مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه

ذی حجه، در محلی به نام غدیر خم این آیه

نازل شد. www.my-dars.ir

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ

لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ

مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرَ: «ای رسول، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده برسان و اگر چنین نکنی، رسالتش را نگزارده‌ای و خداوند تو را از مردمان حفظ می‌کند؛ خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.»

بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفته‌اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به‌جا آوردند و سپس پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. آن حضرت در قسمتی از سخنرانی از مردم پرسید:

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ»: «ای مردم، چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند»

سپس فرمود: هر کس که من ولی و سرپرست
اویم، علی نیز ولی و سرپرست اوست.»
و این جمله را سه بار تکرار کرد.
در پایان نیز از حاضران خواست که مطالب گفته
شده را به غایبان برسانند. پس از آن، مردم برای
عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و
با وی بیعت کردند.

۷- آیه تطهیر

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً»: «همانا خدا اراده کرده که
دورگرداند از شما اهل بیت، پلیدی و ناپاکی را و
شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد.»

۱- این آیه هرگونه گناه و پلیدی را از پیامبر اکرم
(ص)، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و
امام حسین دور می‌داند و آنان را معصوم از گناه
و پلیدی معرفی می‌کند.

۲- این آیه، تعداد خاصی از خانواده پیامبر را دربر می‌گیرد که مقام عصمت دارند و شامل همه نمی‌شود.

۳- چون این تعداد خاص معصوم‌اند، سخن و عمل آنان، مطابق با دین و بیان‌کننده دستورات الهی است.

• لازمه امامت، علم کامل و عصمت از گناه و اشتباه است.
• حضرت فاطمه زهرا جزء اهل بیت است و اگرچه عهده‌دار امامت نبوده، اما علم و عصمت کامل دارد و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه مسلمانان واجب است.

مای درس

درس ششم

پیشوایان اسوه www.my-dars.com

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»:

«قطعاً برای شما در رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای کسی که به خداوند و روز رستاخیز امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند.»

👉 سیره پیامبر اکرم (ص) در رهبری جامعه

۱- تلاش برای برقراری عدالت و برابری

رسول خدا کوشید تا جامعه‌ای عادلانه بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد و همه در برابر قانون الهی یکسان باشند. این اقدام پیامبر اکرم در شرایطی انجام می‌گرفت که در جامعه آن روز حجاز و سایر کشورها، تبعیض و تفاوت طبقاتی، یک قانون پذیرفته شده بود و کسی با آن مخالفت نمی‌کرد. آن حضرت، درآمد بیت‌المال را میان مسلمانان به تساوی تقسیم کرد و فرقی میان عرب و غیرعرب نمی‌گذاشت.

با همه بردباری و ملایمتی که در برابر ضایع

شدن حق شخصی خود داشت، در برابر

ضایع شدن حقوق افراد جامعه می‌ایستاد و کوتاه نمی‌آمد و متجاوزان حقوق مردم را در هر موقعیت و مقامی که بود، مجازات می‌کرد.

پیامبر: «اقوام و ملل پیشین بدین سبب، دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند؛ اگر شخصی قدرتمند و صاحب نفوذ از ایشان دزدی می‌کرد، رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد، وی را مجازات می‌کردند.»

۲- محبت و مدارا با مردم

رفتار رسول خدا با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم، ایشان را پدر مهربان خود می‌دانستند و در سختی‌ها به ایشان پناه می‌بردند. معمولاً اطرافیان یک رهبر برای این‌که خود را به او نزدیک کنند، عیب دیگران را نزد او بازگو می‌کنند، اما رسول خدا به یاران خود می‌فرمود: بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ ۳۶

زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم.

هرکس به خانه آن حضرت می‌رفت، به او احترام می‌گذاشت تا آنجا که گاهی ردای خود را زیر پای او پهن می‌کرد یا بر جای خود می‌نشاند. هرگز در مقابل یارانش پای خود را دراز نمی‌کرد و سعی می‌کرد تا وقتی که آنها نشسته‌اند، در کنارشان باشد. اگر درباره آخرت حرف می‌زدند با آنان همراهی می‌کرد اگر درباره خوردنی و آشامیدنی و سایر امور روزمره سخن می‌گفتند، در همه این موارد، آنان را منع نمی‌کرد، مگر این که کار حرامی مانند غیبت کردن از آنان سر می‌زد.

۳- سخت‌کوشی و دلسوزی در هدایت مردم

پیامبر آن قدر برای هدایت مردم شبانه‌روز تلاش کرد که خداوند در این باره خطاب به مسلمانان فرمود: «رنج شما برای او سخت و دشوار» (۳۷)

است و بر [هدایت] شما حریص (به شدت
علاقه‌مند) است.»

«لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»: «از
این‌که برخی ایمان نمی‌آورند شاید که جانت را
[از شدت اندوه] از دست بدهی.»

سران قریش می‌گفتند او ساحر و جادوگر است،
می‌گفتند دیوانه است، بر سر و رویش خاکستر
می‌پاشیدند، طعنه و نیش زبان به او می‌زدند.
حضرت علی فرمود:

«آن حضرت، تلاش می‌کرد حتی کسانی را که با
ایشان می‌جنگیدند هدایت کند.»

◉ پیامبر (ص): «اگر کافری در جنگ کشته
شد او را مِثْلَه نکنید، کودکان و پیران و زنان را
نکشید، حیوانات حلال گوشت را نکشید، مگر
این‌که برای تغذیه به آن احتیاج داشته باشید.
هرگز آب مشرکان را زهرآلود نکنید و مزارع و

نخلستان‌ها را نسوزانید.»

۴- مبارزه با فقر و محرومیت

رسول خدا هم با فقر مبارزه می‌کرد و به دنبال بنای جامعه‌ای آباد و دور از محرومیت بود و هم با کوچک شمردن فقیران و بینوایان به مخالفت برمی‌خاست. از این رو، مردم را به کار و فعالیت تشویق می‌کرد، از بیکاری بدش می‌آمد و کسانی را که فقط عبادت می‌کردند و کار نمی‌کردند، مذمت می‌کرد. ثروت را ملاک برتری نمی‌شمرد. به آسانی با فقیرترین و محروم‌ترین مردم می‌نشست و صمیمانه با آنها گفت‌وگو می‌کرد. آن حضرت به یاران خود می‌فرمود: «به من ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد.»

همراه و هم‌پای پیامبر

امیرمؤمنان، ده سال قبل از بعثت پیامبر در

خانه کعبه به دنیا آمد. پدرش حضرت ابوطالب به پیشنهاد پیامبر، نام ایشان را علی (به معنای والا و بلندمرتبه گذاشت). سه یا چهار سال بیشتر نداشت که به خانه پیامبر آمد و چندین سال نزد ایشان زندگی کرد. خودش درباره این دوران می‌فرماید:

«در حالی که کودک بودم، همواره در کنار پیامبر بودم و پیامبر مرا در کنار خود می‌نهاد؛ نه هرگز دروغی در گفتار من دید و نه رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد. من همچون بچه از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می‌رود، از آن بزرگوار پیروی می‌کردم و او هر روز پرچمی از خوی‌های نیکوی خود را برای من می‌افراشت و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می‌داد. در هر سال، در غار حِرا گوشه‌ای برمی‌گزید. هنگامی که وحی بر پیامبر فرود آمد، آوای اندوهگین

شیطان را شنیدم. گفتم: «ای پیامبر خدا، این فریاد اندوهناک چیست؟ پاسخ داد: این شیطان است که از پرستش خود ناامید شده است. بی‌گمان آنچه را من می‌شنوم تو هم می‌شنوی و آنچه را من می‌بینم تو هم می‌بینی، جز این که تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر هستی و تو هر آینه بر راه خیر می‌باشی.»

رسول خدا، در سخنان خود از کلمه شیعه که ترجمه آن پیرو می‌شود، استفاده کرده و پیروی از امام علی را سبب رستگاری دانسته است؛ بنابراین، شیعه، مسلمانی است که به فرمان خدا و پیامبر، امیرالمؤمنین علی را جانشین پیامبر می‌داند و از او پیروی می‌کند.

📖 ویژگی‌های حضرت علی www.41.ir

۱- عدالت بی‌مانند

امام علی پس از ۲۵ سال خانه‌نشینی، ۴۱

آن‌گاه که با درخواست عمومی مردم و اصرار آنها بر قبول خلافت حجت را بر خود تمام دید، به صحنه آمد. ایشان از همان آغاز با الگو قرار دادن سیره و روش پیامبر عدالت و مبارزه با تبعیض و نابرابری را سرلوحه کار خود قرار داد.

آن حضرت در همان روزهای آغازین حکومتش به مسجد رفت و این‌گونه برای مردم سخنرانی کرد: «ای مردم، گروهی بیش از حق خود از بیت‌المال و اموال عمومی برداشته‌اند و جیب خود را انباشته‌اند و ملک و باغ خریده‌اند. اینان در حقیقت ننگ دنیا و عذاب آخرت را خریده‌اند؛ اما بدانید که من حق مردم مظلوم را از اینان بازمی‌ستانم و از این پس سهم همه مسلمانان را از بیت‌المال به‌طور مساوی خواهم داد.»

فردای آن روز، پس از پرداخت هزینه‌های عمومی کشور از بیت‌المال، باقی‌مانده آن را

میان مردم به‌طور مساوی تقسیم کرد. ایشان در سخنانی فرمودند سوگند به خدا، اگر همه دنیا را [با تمام وسعتش] به من بدهند تا به اندازه گرفتن پوست جو از دهان موری خدا را نافرمانی کنم، نخواهم کرد.

امام در همان آغاز فرمانروایانی همچون معاویه که به ناحق به پست و مقام رسیده بودند و به شیوه پادشاهان و امپراطوران ستمگر حکومت می‌کردند، برکنار کرد و فرمود: «به خدا سوگند، حتی برای دو روز نیز او را به کار نخواهم گماشت و من هیچ‌گاه گمراه‌کنندگان را کارگزار خود قرار نخواهم داد.»

گروه آموزشی عصر ۲- علم بی‌کران

نهج البلاغه که بخشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پند و اندرزهای ایشان را در خود جای داده، حکایتگر این دانش بی‌مانند است.

ابن ابی‌الحدید که از دانشمندان بزرگ اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج‌البلاغه نوشته است و می‌گوید: «به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن) فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان‌ها) برتر خوانده‌اند.

قسم می‌خورم به کسی که همه امت‌ها به او قسم می‌خورند، که پنجاه سال است این خطبه را مطالعه می‌کنم و در این پنجاه سال، بیش از هزار مرتبه آن را خوانده‌ام و تاکنون هیچ‌بار آن را نخوانده‌ام، مگر آن‌که در جان من شگفتی و بیداری عمیقی ایجاد کرده است. چه قدر خطبا و موعظه‌کنندگان درباره مرگ و آخرت خطبه خوانده‌اند و من چه قدر خطبه‌های آنان را خوانده و در آن تأمل کرده‌ام، اما تاکنون هیچ‌کدام از آنها تأثیر این خطبه را در جان من ایجاد نکرده است.»

امیرالمؤمنین جز نزد پیامبر اکرم نزد کسی دیگر شاگردی نکرده بود. در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر و وحی الهی بود. پیامبر اکرم:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا وَ عَلِيٌّ فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا»: «من شهر علم هستید، در آن است. هرکس می خواهد به این علم برسد، باید از در آن وارد شود.»

درس هفتم

وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان،

پس از رسول خدا

«وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا»: «و محمد نیست، مگر

رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] بازمی‌گردید؟ و هرکس به گذشته بازگردد، به خدا هیچ گزند و زیانی نرساند و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.»

خلاصه‌ای از رخدادهای عصر امامان

پس از رحلت رسول خدا حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر برنامه‌ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای امامت طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه‌جانبه مسئولیت‌های خود شدند.

اداره حکومت به امام علی رسید و آن حضرت، در همین دوره کوتاه و با وجود مشکلات و جنگ‌هایی که با عهدشکنان و دشمنان داخلی داشتند، عالی‌ترین نمونه حکومت را عرضه کرد. طولی نکشید که حکومت به دست بنی‌امیه افتاد کسانی که سرسختانه با پیامبر اکرم مبارزه می‌کردند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. امیرالمؤمنین، در سخنرانی‌های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی‌شان در مبارزه با حکومت بنی‌امیه بیم می‌داد و می‌فرمود: «سوگند به خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، آن مردم [شامیان] بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن جهت که آنان به حق نزدیک‌ترند، بلکه به این جهت که آنان در راه باطلی که

زمامدارشان می‌رود شتابان فرمان او را می‌برند و شما در حق من بی‌اعتنایی و کندی می‌کنید. این مطلب، قلب انسان را به درد می‌آورد که آنها در مسیر باطل خود این‌چنین متحدند و شما در راه حق این‌گونه متفرق و پراکنده‌اید.» آن حضرت آینده سرپیچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی‌امیه بر تخت سلطنت بود، می‌دید و آنان را از چنین روزی بیم می‌داد:

«به‌خدا سوگند، بنی‌امیه چنان به‌ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند، جز آن‌که حلال شمارند؛ تا آن‌که در حکومتشان دو دسته بگریند: دسته‌ای بر دین خود که آن را از دست داده‌اند و دسته‌ای برای دنیای خود که به آن نرسیده‌اند.»

پس از بنی‌امیه، حکومت به دست بنی‌عباس افتاد. آنان با این‌که خود را از عموزادگان

پیامبر می دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر از چیزی فروگذار نکردند، به گونه ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر و دو میراث گران قدر آن حضرت قرآن کریم و ائمه اطهار نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.

➤ چالش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

عصر امامان

۱- ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر (ص)
پس از رحلت رسول خدا، نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. کسانی که به این احادیث علاقه مند بودند، فقط می توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند.

👉 این شیوه، نتایج نامطلوبی داشت:

الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارتها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث پیش آمد و آنان براساس غرضهای شخصی به جعل یا تحریف حدیث پرداختند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره ماندند و ناچار شدند سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت دهند.

• با این که سالها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر برداشته شد، اما به دلیل عدم حضور اصحاب پیامبر در میان مردم، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد؛ به طوری که احادیث صحیح از غلط به سادگی قابل تشخیص نبود.

اوضاع نابسامان حدیث برای پیروان ائمه پیش نیامد؛ زیرا آن بزرگواران احادیث پیامبر را حفظ کرده بودند و شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان‌هایی معصوم و به دور از خطا بودند به دست آوردند.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به بنی‌امیه و بنی‌عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب‌الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.

۳- ارائه الگوهای نامناسب

عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله‌روی شخصیت‌های برجسته جامعه هستند و آنها را اسوه قرار می‌دهند. در زمانی که رسول خدا اسوه مردم بود، انسان‌های آزاده، باایمان و شجاعی چون امام علی، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر را در انزوا قرار دهند و افرادی را که از معیارهای اسلامی دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و آنها را راهنمای مردم معرفی کنند.

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا، جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیانشان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند و خزائن خود را از جواهرات گران‌قیمت انباشته کردند.

این تغییر مسیر، جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم را به جامعه‌ای راحت‌طلب، تسلیم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم تبدیل کرد.

درس هشتم

👉 احیای ارزش‌های راستین

پیش‌بینی آینده نابسامان جامعه اسلامی و راه

رستگاری از آن: آموزشی عصر

امام علی: «به زودی پس از من، زمانی فرا می‌رسد که در آن زمان، چیزی پوشیده‌تر از حق

و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا

و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کالایی کم‌بهاتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود و کالایی رایج‌تر و فراوان‌تر از آن نیست، آنگاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر و شناخته‌شده‌تر از منکر و گناه نیست.

در آن شرایط، در صورتی می‌توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت‌کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می‌توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان‌شکنان را تشخیص دهید و آنگاه می‌توانید پیرو قرآن باشید که فراموش‌کنندگان قرآن را بشناسید. پس همه اینها را از اهلش طلب کنید. آنان اند که نظر دادن و حکم کردنشان نشان‌دهنده دانش آنهاست، آنان هرگز با دین مخالفت نمی‌کنند و در

دین اختلاف ندارند.»

📖 تلاش و مجاهدت امامان

الف) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۱- تعلیم و تفسیر قرآن کریم: امامان بزرگوار در هر فرصتی، معارف این کتاب آسمانی و رهنمودهای آن را بیان می‌کردند.

۲- اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر: امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه به ممنوعیت نوشتن احادیث توسط حاکمان توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود آموختند و از آنان خواستند که این آموخته‌ها را به نسل‌های بعد منتقل کنند.

حدیث زنجیره طلایی

www.my-gars.ir

هنگامی که امام رضا به اجبار مأمون از مدینه به مرو، پایتخت حکومت مأمون می‌رفت، در

مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. وقتی امام در جمع مردم قرار گرفت، به امام اصرار کردند تا برایشان سخن بگوید. امام به آنان فرمود: «من از پدرم، امام کاظم شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق و ایشان از پدرش، امام باقر و ایشان از پدرش، امام سجاد و ایشان از پدرش، امام حسین و ایشان از پدرش، امام علی و ایشان از رسول خدا شنید که فرمود: خداوند می‌فرماید: «كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»: «کلمه لا اله الا الله قلعه محکم من است، هرکس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است.»

پس از اندکی درنگ، امام فرمود: «بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»: «اما به شرطهای آن و من از جمله شرطهای آن هستم.»

مقصود امام این بود که توحید تنها

یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام، که همان ولایت خداست، میسر می‌گردد.

این حدیث به جهت توالی و پشت سرهم آمدن اسامی امامان در آن، به حدیث سلسله‌الذهب (یعنی زنجیره طلایی) مشهور است.

۳- تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای

نو: با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق، افکار و نظام‌های کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار به دور از انزوا و گوشه‌گیری و با حضور سازنده و فعال، با تکیه بر علم الهی خود، درباره همه این مسائل

اظهار نظر می‌کردند. www.my-dars.ir

ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار در

کنار سیره پیامبر و قرآن کریم است (مثل کتاب نهج البلاغه که شامل بخش‌هایی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حضرت علی است و کتاب صحیفه سجادیه از امام سجاد).

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری:

امامان از دو جهت با حاکمان زمان خود مبارزه می‌کردند:

- ۱- رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود برای انجام دادن این وظیفه در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند تا
- ۲- این حاکمان غاصب، قوانین اسلام را زیر پا می‌گذاشتند و به مردم ستم می‌کردند؛ امامان نیز وظیفه داشتند که براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر با آنان مقابله کنند.

➡ اصول کلی امامان در مبارزه با حاکمان

۱- عدم تأیید حاکمان: امامان، هیچ‌یک از حاکمان غیرقانونی عصر خویش را به عنوان جانشین رسول خدا تأیید نمی‌کردند و این موضوع را به شیوه‌های مختلف به مردم اطلاع می‌دادند. آنان اگرچه تفاوت‌های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می‌گرفتند و اگر حاکمی در موردی بر طبق دستور اسلام عمل می‌کرد، آن مورد را تأیید می‌کردند، اما در غصب خلافت و جانشینی رسول خدا همه را یکسان می‌دیدند.

۲- معرفی خویش به عنوان امام بر حق: آن بزرگواران، همواره خود را به عنوان امام و جانشین بر حق پیامبر اکرم معرفی می‌کردند؛ به طور مثال، امام صادق در روز عرفة و در مراسم حج، در میان انبوه جمعیت، حق حکومت را از آن خود

اعلام نمودند.

۳- انتخاب شیوه‌های درست مبارزه:

امامان، شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی‌گزیدند.

رفتار ائمه اطهار در طول ۲۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر تا امامت امام عصر و غیبت ایشان، چنان مکمل یکدیگر است که گویی یک انسان است که ۲۵۰ سال زندگی کرده است و در شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی، روش‌های مناسب را برگزیده و عمل کرده است.

ائمه اطهار می‌کوشیدند آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب تقیه پیش ببرند؛ یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند، به گونه‌ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند. از جمله این موارد، ارتباط میان امامان و یاران آنها در

نقاط مختلف سرزمین اسلامی بود. امامان ما با مخفی نگه داشتن این ارتباطها نمی‌گذاشتند حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، یاران قابل اعتماد آنان را شناسایی کنند و به شهادت برسانند.

🕌 مروری کوتاه بر مبارزه امامان

۱- امام علی پس از این‌که از رهبری جامعه اسلامی محروم ماند، برای حفظ نظام نوپای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال، هر جا که کاری خلاف موازین اسلام می‌دید، انتقاد می‌کرد و هر جا که از آن حضرت کمک می‌خواستند، آنان را یاری می‌نمود تا این‌که مردم پس از خلیفه سوم یک‌صدا از ایشان خواستند که حکومت را بپذیرد. ۲- امام حسن نیز دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. معاویه با صرف هزینه‌های زیاد توانست بیشتر فرماندهان سپاه امام را از نبرد با خود **۶۱**

منصرف کند و با حيله‌های گوناگون، بسياری از مردم را با خود همراه سازد. امام نیز با سنجیدن شرايط پيش آمده با معاويه قرارداد صلح امضا کرد و از معاويه تعهد گرفت که شيعيان و ياران اميرالمؤمنين را آزار ندهد و برای خود جانشين تعيين نکند؛ اما معاويه بندهای قرارداد را زیر پا گذاشت و در آخر يزید را جانشين خود کرد.

۳- امام حسين در زمان معاويه همان روش برادر بزرگوارش را پيش گرفت و تا معاويه زنده بود (به مدت ده سال) عليه او جهاد نکرد؛ وقتی يزید به حکومت رسید، امام روش خود را تغيير داد و متناسب با شرايط جديد تصميم گرفت زیر بار بيعت يزید نرود و عليه وی قیام کند. رفتار و کردار يزید آن قدر از اسلام دور و بيگانه بود که امام حسين می دانست اگر يزید را تأيید کند حقيقت اسلام نابود خواهد شد.

۴- پس از شهادت امام حسین، سرکوبی شیعیان و طرفداران اهل بیت به شدت آغاز شد. گروهی از مردم کوفه که امام را همراهی نکرده بودند، از عمل خود پشیمان شدند و توبه کردند و علیه یزید قیام کردند. قیام توأبین و سایر گروه‌ها سرکوب شد.

امام سجاد در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید حیات نهضت شیعیان پرداخت و انسان‌هایی فداکار و دارای بینش عمیق تربیت کرد. به سبب همین اقدامات، بار دیگر تشیع به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعال پیدا کرد.

۵- در اثر فعالیت‌های امام سجاد و قوت گرفتن مجدد شیعیان و ضعف تدریجی بنی‌امیه، زمان معرفی اسلام اصیل در دوران امام باقر فرا رسید و ایشان یک نهضت علمی و فرهنگی بزرگ

را آغاز کرد. اولین اقدام امام، تربیت شاگردان و دانشمندانی بود که بتوانند اعتقادات اهل بیت را در میان مردم گسترش دهند. این اقدام به منزله پایه‌گذاری یک مدرسه علمی بزرگ در مدینه بود که با توجه به ظهور فرقه‌های گوناگون در جهان اسلام، اقدامی ضروری به شمار می‌رفت.

۶- در زمان امام صادق ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی‌امیه به اوج رسیده بود. در این شرایط، دو جریان علیه امویان فعالیت می‌کردند: یکی عباسیان و دیگری علویان. علویان، دوستداران اهل بیت بودند. به همین جهت، امام صادق مبارزه خود را علنی‌تر کرد و حتی قیام زید بن علی، عموی خود را تأیید نمودند؛ البته بر اثر اشتباهات مسلمانان و روی آوردن آنها به بنی‌عباس و پیروز شدن بنی‌عباس بر بنی‌امیه، دوران اختناق و سخت‌گیری

نسبت به علویان دوباره آغاز شد.

امام صادق در تمام دوران امامت خود، جهاد علمی امام باقر را ادامه داد و هزاران شاگرد در رشته‌های مختلف معارف اسلام تربیت کرد.

۷- زمان امام کاظم دوره اختناق شدید بود، اما ایشان دست از مبارزه برنداشت و آن را به صورت آشکار و مخفی ادامه داد و به تربیت شیعیان پرداخت. آن امام، سال‌های طولانی را نیز در زندان‌ها به سر برد.

۸- ده سال از امامت امام رضا در دوره هارون عباسی بود که دوران بسیار سختی محسوب می‌شد. با روی کار آمدن مأمون، زمینه فعالیت شیعیان گسترش شد و بر تعداد علاقه‌مندان به امام افزوده شد، به طوری که مأمون برای جلب امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد، اما

بعدها به خاطر ناکامی در نقشه‌های خود، امام را به شهادت رساند.

۹- با شهادت امام رضا، مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد، به طوری که حتی ارتباط معمولی و رفت و آمد به خانه امام جواد نیز مشکل شد. امام هادی را به اجبار به سامرا که مرکز خلافت بود، آوردند و در محلی که یک پادگان نظامی بود، منزل دادند و بالاخره در همین محل به شهادت رساندند. امام حسن عسکری نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه این سخت‌گیری‌ها، این سه امام بزرگوار، معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل‌های بعد رساندند.

به عنوان مثال، زیارت جامعه کبیره توسط امام هادی بیان شده است. این زیارت، که مانند

یک درس امام‌شناسی است، سبب شناخت بهتر امامت و ویژگی‌های ائمه اطهار بوده است.

در این دوره فعالیت وکلا و نمایندگان امام اوج گرفت. کار این وکلا، ارتباط پیوسته با شیعیان و تعیین وظایف آنان بود. آنان مخفیانه خدمت امام می‌رسیدند و پیام امام را به مردم می‌رساندند. تشکیل این نظام ارتباطی، مانع از هم‌پاشیدگی شیعیان در این دوره گردید.

وظیفه ما در برابر پیامبر و امامان

به گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران نسبت به شیعیان نشویم.

امام صادق خطاب به شیعیان خود: «مایه زینت و زیبایی ما باشید، نه مایه زشتی و عیب»

عصر غیبت

حضرت مهدی، دوازدهمین امام ما، در سپیده دم جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ ق در «سامرا» متولد شد و تا سال ۲۶۰ هـ ق، در کنار پدر بزرگوارش زندگی می کرد.

امام حسن عسکری در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم به قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آنکه در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می کرد.

پس از شهادت امام حسن عسکری در سال ۲۶۰ هـ ق، امامت امام مهدی آغاز شد. آن حضرت دو غیبت داشته است: اول، غیبتی

که تا سال ۳۲۹ هـ ق طول کشید و غیبت صغری نامیده می‌شود. امام در این دوره، با این‌که زندگی مخفی داشت، اما از طریق چهار نفر از یاران مورد اعتماد، پیوسته با پیروان خود در ارتباط بود. این چهار شخصیت بزرگوار به نواب اربعه و نواب خاص معروفند. خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان، تمام و کامل گردانیده است.

• پیامبر اکرم (ص)، خود و امام علی را پدران امت معرفی فرموده است و روشن است که دلسوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به‌دست گرفته بودند و عاملان اصلی به‌شهادت رساندن امامان بودند، اما بیشتر مردم تسلیم این حاکمان شده بودند و با آنان مبارزه نمی‌کردند و وظیفه امر به معروف و نهی از

منکر را انجام نمی‌دادند. اگر مردم آن دوره با این حاکمان ظالم مبارزه می‌کردند، خلافت در اختیار امامان قرار می‌گرفت.

سخت‌گیری حاکمان بنی‌عباس نسبت به امام دهم و یازدهم تا حدی شدت یافته بود که ایشان را در محاصره کامل قرار داده بودند؛ زیرا آنان از اخباری که از پیامبر اکرم و سایر امامان رسیده بود، مطلع بودند. ایشان امام مهدی را به عنوان آخرین امام و قیام‌کننده علیه ظلم و برپا کننده عدل در جهان معرفی کرده بود. از این رو، حاکمان بنی‌عباس درصدد بودند مهدی موعود را به محض تولد به قتل برسانند؛ از این رو، خداوند آخرین ذخیره و رحمت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید ادامه یابد. این غیبت آن قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی، شایستگی درک ظهور و

بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند.

امام علی فرمود: «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند، اما خداوند به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میان‌شان بی‌بهره می‌سازد.»

علت از دست دادن نعمت‌ها

«ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»: «خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه آنها، خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و داناست.»

چگونگی امامت حضرت مهدی در عصر غیبت
امام را غایب نامیده‌اند؛ زیرا ایشان از نظرها غایب است؛ نه این‌که در جامعه حضور ندارد، این ۷۱

انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند، نه این‌که ایشان در بین مردم نیست و از وضع مردم بی‌خبر است.

امام علی: «حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند به نقاط مختلف می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند؛ تا این‌که زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست.»

امام عصر خود را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند. بهره‌مندی از امام عصر در دوره غیبت، تنها منحصر به ولایت معنوی می‌شود که نیازمند ظاهر بودن در بین مردم نیست.

امام عصر در نامه‌ای به شیخ مفید می‌فرماید: «ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از

اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست ما
 در رسیدگی [به شما] و سرپرستی شما کوتاهی و
 سستی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم
 که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما
 فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.
 امام عصر، سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان
 است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات
 علمی علما، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها،
 دستگیری از درماندگان و دعا برای مؤمنان،
 نمونه‌هایی از یاری‌رسانی‌های آن حضرت است.
 «وَعَدَالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات
 لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین
 من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی
 لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی
 لا یشرکون بی شیئاً و نرید ان نمُن علی الذین
 استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و

نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ
بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و
عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که
آنان را جانشین در زمین قرار دهد، همان‌طور
که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد
و دینشان را که برای آنان پسندیده، مستقر
سازد و بیم و ترسشان را به امنیت مبدل
سازد [به گونه‌ای که دیگر] مرا بپرستند و
به چیزی شرک نوززند. ما می‌خواهیم بر
مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را
پیشوایان [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان
[زمین] قرار دهیم. به راستی در زبور، پس
از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان
شایسته من به ارث می‌برند.»

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

در کتاب‌های حدیثی اهل سنت تأکید شده که امام مهدی از نسل پیامبر اکرم و حضرت فاطمه است، البته آنان معتقدند که ایشان هنوز به دنیا نیامده است.

ماشیعیان معتقدیم که منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری است و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد.

مشخص بودن پدر و مادر امام زمان این فایده را دارد که اگر ماجراجویان فریبکار بخواهند خود را مهدی موعود معرفی کنند، به زودی شناخته می‌شوند و مردم هوشیار، فریب آنها را نمی‌خورند.

👉 فواید اعتقاد به زنده بودن آن حضرت و حضور

ایشان در جامعه

۱- پیروان آن حضرت از یک سو، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و از سوی دیگر، آنان می‌توانند خواسته‌های خود را با امام خود همانند دوستی صمیمی در میان بگذارند و برای به‌دست آوردن رضایت ایشان تلاش کنند.

۲- جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

👉 مسئولیت‌های منتظران

۱- تقویت معرفت و محبت به امام: پیامبر و امام از پدر و مادر نیز برای مؤمنان مهربان‌ترند و آنان که چنین معرفتی را به‌دست آورده‌اند، محبت بیشتری به پیامبر و امام دارند.

پیامبر اکرم: «هرکس که دوست دارد خدا را در

حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او

ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر را بپذیرد.» شناخت جایگاه امام در پیشگاه الهی، آشنایی با شیوه حکومت‌داری ایشان به هنگام ظهور و آشنایی با صفات و ویژگی‌های ایشان در سخنان معصومین، از عوامل مؤثر در معرفت و محبت به امام زمان و از بین رفتن تردیدهاست.

پیامبر اکرم: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ اِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»: «هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»

۳- پیروی از فرمان‌های امام عصر: منتظر حقیقی تلاش می‌کند که در عصر غیبت، پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند.

رسول خدا: «خوشا به حال کسی که به حضور قائم برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.» مراجعه به عالمان دین، عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت از جمله

دستورات امام زمان است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند. به عنوان نمونه، تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و برکنار کردن حاکمان ستمگر، یکی از علائم پیروی از امام عصر است.

۳- آماده کردن خود و جامعه برای ظهور: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری امام تلقی می‌کند و خود را سربازی برای یاری آن حضرت به حساب می‌آورد. او هر لحظه منتظر است ندای امام در جهان طنین‌انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

امام علی درباره کسانی که با امام بیعت می‌کنند، می‌فرماید: گروه آموزشی عصر

«امام با این شرط با آنها بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک دامن باشند، اهل دشنام و کلمات زشت نباشند، به ظلم و

ستم خونریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مرکب‌های گران‌قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.»

چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور، این

ویژگی‌ها را داشته باشند؟

کسانی که قبل از ظهور آن امام، در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق حضوری فعال داشته باشند و با ایستادگی در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی‌هایی همچون شجاعت، عزت نفس و پاکدامنی را در خود پرورانده باشند.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه نبرد حق طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی به امام مهدی خواهد گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا می‌نشینیم»

﴿ دو عامل پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ: ۱- گذشته سرخ: اعتقاد به عاشورا، آمادگی برای شهادت و ایثار

۲- آینده سبز: انتظار برای سرنگونی ظالمان و گسترش عدالت در جهان، زیر پرچم امام عصر یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن اسلامی‌اند. هسته مرکزی این یاران، ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم در جنگ بدر هستند که بنا به فرموده امام باقر، ۵۰ نفر از آنان از زنان‌اند. بیشتر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند. ۸۰

۳- دعا برای ظهور امام: در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است؛ زیرا فرج و گشایش واقعی برای دین‌داران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود.

امیرمؤمنان می‌فرماید: «منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند انتظار فرج است.» لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر است.

نگاهی به جامعه مهدوی

امام عصر زمانی ظهور می‌کند که مردم جهان از همه مکتب‌های غیرالهی و مدعیان برقراری عدالت در جهان ناامید شده‌اند و با تبلیغی که منتظران واقعی کرده‌اند، دل‌های مردم به سوی آن منجی الهی جلب شده است. بیشتر مردم همین که ندای امام و طرفداران ایشان را می‌شنوند، با شوق به سوی امام می‌شتابند، ۸۱

اما مستکبران و ظالمان در مقابل امام می ایستند که در نهایت شکست می خورند و حکومت جهانی امام تشکیل می شود. با تشکیل حکومت امام عصر همه اهداف انبیا تحقق می یابد:

۱- عدالت گستری: «با ظهور امام عصر، خداوند زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، بعد از این که از ظلم و جور پر شده باشد.»

در جامعه مهدوی، قطب مرفه و قطب فقیر، طبقه مستکبر و طبقه مستضعف وجود ندارد.

امام باقر فرمود: «آنچنان میان مردم مساوات برقرار می کند که نیازمندی پیدا نخواهد شد تا به او زکات داده شود.»

۲- آبادانی: برکت و آبادانی، همه سرزمین ها را

فرا می گیرد. www.my-dars.ir

۳- شکوفایی عقل و علم: در این دوران، با لطف و توجه ویژه ای که امام زمان به همه

انسان‌ها می‌کند، عقل آنان کامل می‌شود.

۴- امنیت کامل: در آن دوران، اگر کسی از شرق یا غرب عالم، شب یا روز، زن یا مرد و به تنهایی به سمت دیگر حرکت کند، احساس ناامنی و ترس نمی‌کند و از دزدی اموال و ثروت دیگران خبری نیست.

۵- فراهم شدن زمینه رشد و کمال: از همه موارد فوق مهم‌تر این است که در جامعه مهدوی، انسان‌ها بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند، فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند. بدین ترتیب، انسان‌ها به هدفی که خدا در خلقت برای آنها تعیین کرده، بهتر و آسان‌تر می‌رسند. www.rahmetyar.com

مرجعیت و ولایت فقیه

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»:

«و نمی شود که مؤمنان، همگی برای آموزش دین [اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آنگاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.»

➤ ضرورت تداوم مسئولیت‌های امام در عصر

www.my-dars.ir

غیبت

۱- اگر مرجعیت دینی ادامه نیابد، مردم با وظایف خود آشنا نمی‌شوند و نمی‌توانند به

آن وظایف عمل کنند.

۲- اگر ولایت ظاهری ادامه نیابد نمی توان احکام اجتماعی اسلام را در جامعه به اجرا درآورد.

راهکار پیامبر و امامان برای عصر غیبت

در زمان ائمه، مردمانی در شهرهای دور دست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و از این رو، آن بزرگواران دانشمندانی را تربیت می کردند که به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر بروند و احکام اسلام را به مردم بیاموزند.

تفقه به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند و می توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند، فقیه نامیده می شوند.

مسلمانان وظیفه دارند در زمان غیبت امامان یا عدم امکان دسترسی به ایشان، به این فقیهان مراجعه کنند.

پیامبر اکرم می‌فرماید: «حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است؛ زیرا چنین شخصی در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.»

رویدادهای جدید

امام عصر می‌فرماید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»: «و در مورد رویدادهای زمان به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها می‌باشم.»

در عصر غیبت، مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه و ولایت ظاهری به صورت ولایت فقیه ادامه می‌یابد.

گروهی از فقیهان، احکام و قوانین دین را در اختیار مردم قرار می‌دهند. کسانی که در احکام دین متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و احکام دین را از آنان می‌آموزند. این مراجعه را پیروی یا تقلید می‌گویند.

تقلید در احکام به معنای رجوع به متخصص است و یک روش رایج عقلی است؛ یعنی انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می‌کند. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

از میان فقیهان، کسی که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده دار حکومت می‌شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا

درمی آورد. به فقیهی که این مسئولیت برعهده می‌گیرد، ولی فقیه می‌گویند.

👉 شرایط مرجع تقلید

- ۱- باتقوا باشد.
- ۲- عادل باشد.
- ۳- زمانشناس باشد: بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.
- ۴- اعلم باشد: یعنی از میان فقها از همه عالم‌تر

👉 راه‌های شناخت مرجع تقلید

- ۱- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتواند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد، بپرسیم.
- ۲- یکی از فقیهان، در میان اهل علم مشهور باشد.

👉 شرایط ولی فقیه

www.my-dars.ir

۱- باتقوا باشد.

۲- عادل باشد.

۳- زمانشناس باشد: بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

۴- مدیر و مدبر باشد: بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند.

۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و واهمه در برابر زیاده‌خواهی دشمنان بایستد. در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند. حکومت و رهبری فقیهی که شرایط فوق را دارد، مشروع است؛ یعنی دین به او اجازه رهبری مردم را داده است.

ولی فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد؛ یعنی، فقیه باید نزد مردم جامعه خود مقبولیت داشته باشد، پس تشکیل نظام و حکومت اسلامی بر پایه مشروعیت و مقبولیت است.

نمی‌شود هرکس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند؛ زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید.

مردم در زمان انقلاب به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راهپیمایی‌ها، ولایت امام خمینی را پذیرفتند.

اکنون نیز بنابر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کسی را که برای رهبری شایسته‌تر تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. پس از رحلت امام خمینی، حضرت آیت الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را بر این اساس برعهده گرفتند.

چنین فقیه‌ی تا وقتی رهبر جامعه است که

شرایط ذکر شده را داشته باشد. تشخیص این امر نیز برعهده مجلس خبرگان است.

👉 وظایف رهبر (ولی فقیه)

۱- تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه

۲- حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان: یکی از روش‌های تسلط بیگانگان، فشار اقتصادی و روانی است. رهبر با دعوت مردم به استقامت و پایداری و بستن راه‌های سلطه تلاش می‌کند عزت و استقلال کشور از دست نرود.

۳- تصمیم‌گیری براساس مشورت:

علاوه بر اشخاص، نهادهای مختلفی به صورت پیوسته به رهبری مشورت می‌دهند، مانند:

مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی،

شورای عالی امنیت ملی، جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم و شورای عالی حوزه‌های علمیه
۴- ساده‌زیستی: رهبر به دنبال توسعه مال و
ثروت و تشکیل یک زندگی اشرافی و تجملاتی
حتی از طریق مشروع نیست و همواره یک
زندگی ساده را دنبال می‌کند.

مردم و رهبری
در حکومت اسلامی، مشارکت و همراهی مردم
پایه و اساس پیشرفت است

مسئولیت‌های مردم نسبت به رهبر

۱- وحدت و همبستگی اجتماعی: تفرقه و
پراکندگی، به سرعت یک حکومت را از پای
درمی‌آورد و سلطه‌گران را بر کشور مسلط
می‌کند، همبستگی اجتماعی، کشور را قوی
می‌کند و به رهبری امکان می‌دهد که برنامه‌های
اسلامی را به اجرا درآورد.

۲- استقامت و پایداری در برابر مشکلات: ۹۲

هر کشوری در مسیر رسیدن به استقلال و کمال با مشکلات بزرگ و کوچکی روبه‌رو می‌شود؛ پس مردم باید با استقامت خود، فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم کنند.

۳- افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی: ناراحتی دشمنان از عمل ما یا خوشحالی و شادی آنان از رفتار ما می‌تواند یکی از معیارهای درستی و نادرستی عملکرد ما باشد.

۴- مشارکت در نظارت همگانی: براساس فرمان خداوند، همه افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر مسئول‌اند و مانند سوارشدگان در یک کشتی‌اند. اگر گناهانی در جامعه رواج پیدا کند، فقط گناهکاران عذاب نمی‌شوند، بلکه همه کسانی که در برابر انجام گناه در جامعه سکوت کرده‌اند نیز باید پاسخگو باشند.

۵- اولویت دادن به اهداف اجتماعی: مثلاً

خرید کالای ایرانی سبب می‌شود که کارخانه‌های داخلی به تولید خود ادامه دهند و مانع بیکاری صدها هزار کارگر شوند. این عمل، به طور غیرمستقیم سبب کاهش بیکاری شده و کمک خوبی به حکومت و رهبری است.

وظیفه کارگزاران

کارگزاران، همان مدیران و مسئولان جامعه‌اند که امروزه امور سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه را برعهده دارند. کارگزاران یاران و کمک‌کنندگان به رهبرند.

اگر کارگزاران جامعه، وظیفه خود را هم به درستی بشناسند و هم به درستی اجرا کنند، اعتماد مردم به حکومت روز به روز افزایش می‌یابد. همچنین عملکرد غلط کارگزاران، سبب افزایش و انباشته شدن مشکلات و ناکارآمدی حکومت خواهد شد.

➡ امیرالمؤمنین در عهدنامه مالک اشتر،

حکیمانه مسئولیت‌های کارگزاران را بیان کرده

است:

۱- دل خویش را نسبت به مردم، مهربان کن
و با همه دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم
دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای
دیگر در آفرینش همانند تو هستند.

۲- در به‌دست آوردن رضایت عموم مردم سعی
و تلاش کن، نه در جلب رضایت خواص؛ که
با وجود رضایت عمومی، خشم خواص به تو
آسیبی نمی‌رساند و با خشم عموم مردم، رضایت
خواص سودی نمی‌بخشد.

۳- کسانی را که از دیگران عیب‌جویی می‌کنند،
از خود دور کن؛ زیرا در نهایت مردم عیب‌هایی
دارند و مدیر جامعه باید بیش از همه در
پنهان کردن آنها بکوشد.

۴- عده‌ای افراد مورد اطمینان را انتخاب کن. تا درباره وضع طبقات محروم به تو گزارش دهند. سپس برای رفع مشکلات آنها عمل کن؛ زیرا این گروه [افراد محروم] پیش از دیگران به عدالت نیازمندند.

۵- اگر با دشمن پیمان بستنی، از پیمان شکنی دشمن غافل نباش، که دشمن گاهی از این راه تو را غافل گیر می‌کند.

درس یازدهم

عزت نفس
عزت به معنای نفوذناپذیری و تسلیم بودن است. وقتی می‌گویند خداوند عزیز است، معنایش این است که کسی نمی‌تواند او را مغلوب کند و در اراده او نفوذ نماید.

انسان عزیز در برابر ظالمان و همچنین در

مقابل هوی و هوس خویش می‌ایستد، تسلیم نمی‌شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را کوچک سازد، نمی‌رود.

واژه ذلت به معنای شکست‌پذیری و مغلوب و تسلیم‌بودن است.

انسان ذلیل در برابر زورگویان تن به خواری می‌دهد و هر فرمانی را می‌پذیرد و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد، انجام می‌دهد؛ هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند.

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ»: «هر کس عزت می‌خواهد [بداند] که هر چه عزت است، از آن خداست.

برای کسانی که نیکوکاری پیشه کردند، پاداشی نیک و چیزی فزون‌تر است و بر چهره آنان

غبارخواری و ذلت نمی‌نشیند. آنان که بدی پیشه کردند، جزای بد به اندازه عمل خود می‌بینند و بر چهره آنان غبار ذلت می‌نشیند.»

👉 راه رسیدن به عزت

۱- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک:

اگر کالای گران‌قیمتی، مانند طلا داشته باشیم، اما ارزش آن را ندانیم، آن را به بهای اندک می‌فروشیم؛ اما اگر ارزش آن را بدانیم، آن را عزیز می‌شماریم.

از همین رو خداوند می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر بسیاری از مخلوقات

برتری دادیم.» www.my-dars.ir

و خطاب به انسان فرموده: «ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را

برای خودم.»

و به انسان وعده دیدار داده و بهشتی به وسعت همه آسمان‌ها و زمین برایش آماده کرده است. بهشتی که در آن انسان به هر آرزویی که تمنا می‌کند، می‌رسد.

امام علی: «إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»: «همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس [خود را] به کمتر از آن نفروشید.»

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او
خدایی که خالق تمام هستی است، سرچشمه و منبع همه قدرت‌ها و عزت‌هاست. او وجود شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس توانایی ایستادن در برابر قدرت او را ندارد؛ بنابراین، هر کس به دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه وصل کند.

حضرت علی در وصف انسان‌هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته‌اند، می‌فرماید:

«خالق جهان در نظر آنان عظیم است. در

نتیجه، غیر خدا در چشم آنان کوچک است.»

امام علی: «بنده کسی مثل خودت نباش؛ زیرا

خداوند تو را آزاد آفریده است.»

اسوه‌های عزت در برابر ستمگران

پیامبر اکرم هنگامی که در محاصره طاقت‌فرسای

مشرکان مکه بود، به بزرگان مکه که به او وعده

ثروت و قدرت می‌دادند، فرمود: «اگر اینان خورشید

را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند،

از راه حق دست برنمی‌دارم و تسلیم نمی‌شوم.»

امام حسین آن‌گاه که یزیدیان با بیش از سی هزار

جنگجو، ایشان را محاصره کردند فرمود: «مرگ با

عزت از زندگی با ذلت برتر است.»

حضرت زینب پس از تحمل انبوه مصائب

و در پاسخ به جمله تحقیرآمیز حاکم کوفه که گفت: «دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟» فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.

تمرین ایستادگی در برابر تمایلات پست

هر انسانی، درون خود با تمایلاتی روبه‌رو می‌شود که پاسخ مثبت به آنها، عزت نفس را ضعیف می‌کند. حال اگر این پاسخگویی ادامه یابد، ذلت انسان را احاطه می‌کند و در برابر هر خواست نامشروع درونی و بیرونی به سرعت تسلیم می‌شود.

نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی دادن به این تمایلات است. انسانی که در این دوره سنی به سر می‌برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته‌های نامشروع در وجود او ریشه‌دار نشده است و به تعبیر پیامبر اکرم (ص)، چنین کسی به آسمان نزدیک‌تر است؛

یعنی گرایش به خوبی‌ها در او قوی‌تر است.

👉 خود عالی و خود دانی

انسان دو دسته از تمایلات دارد:

اول: تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حُسن خلق، که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند.

دوم: تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی که مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی انسان است. انسان‌ها به‌طور طبیعی به این قبیل امور علاقه نشان می‌دهند، زیرا این لازمه زندگی در دنیا هستند.

گروه آموزشی عصر
تمایلات بُعد حیوانی در ذات خود بد نیستند،
اما نسبت به بُعد معنوی و الهی، بسیار
ناچیز و پایین‌ترند و قابل مقایسه با آن
تمایلات نیستند.

این تمایلات وقتی بد می‌شوند که انسان آنها را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا می‌داند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره‌مندی از این تمایلات را مشخص کرده است. هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه‌روست: دعوت عقل و وجدان یا همان نفس لوامه که از ما می‌خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند.

دعوت هوی و هوس یا همان نفس اماره است که از ما می‌خواهد فقط به تمایلات بُعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت

می‌دهد، ابتدا در مقابل تمایلاتِ پستِ درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تابع خواسته‌های آنان شده است.

اکثر مجرمان و گناهکاران افرادی فاقد عزت نفس هستند، درحالی که اکثر انسان‌های مفید و نیکوکار جامعه دارای عزت نفس بالایی می‌باشند

درس دوازدهم

پیوند مقدّس

رسول خدا فرمود: «هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست.»

خانواده مقدس ترین نهاد و بنای اجتماعی نزد خداست.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ

مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا، وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ
وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ
وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ: «و از نشانه‌های خدا
آن است که همسرانی از [نوع] خودتان برای
شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما
دوستی و مودت قرار داد. همانا که در این مورد،
نشانه‌هایی است برای کسانی که تفکر می‌کنند
و خداوند برای شما همسرانی از [نوع] خودتان
قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و
نوادگانی نهاد و از پاکیزه‌ها به شما رزق و روزی
داد. حال، آیا آنان به باطل ایمان می‌آورند و به
نعمت الهی کفران می‌ورزند.»

گروه آموزشی عصر

شخصیت انسانی زن و مرد

در قرآن کریم، کلمات ناس، بنی آدم، انسان و انس
اختصاص به جنس خاصی ندارد و به زن و مرد،
هر دو مربوط می‌شود؛ زیرا حقیقت انسان را (۱۰۵)

روح او تشکیل می دهد که نه مذکر است و نه مؤنث.
زنان و مردان ویژگی های فطری یکسان و هدف
مشترکی دارند.

نقش های مکمل

برتری هرکس نزد خداوند به تقواست.

تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف
مختلفی است که خالق حکیم برعهده هر یک از
زن و شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند
در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی
را برعهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید
آورند، مثلاً توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت
جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن با
محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار
کردن نان آور خانواده باشد. www.m

آمادگی برای ازدواج

قرآن کریم از دختران و پسران می خواهد

که قبل از ازدواج حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد. همچنین می‌خواهد که به هیچ وجه در پی رابطه غیرشرعی، چه پنهان و چه آشکار با جنس مخالف نباشند که زیان آن تا قیامت دامن‌گیر آنان خواهد شد و در نسل‌های آنان تأثیر بدی خواهد گذاشت.

هر جوانی به‌طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج رابطه غیرشرعی با جنس مخالف نداشته است. کسی که چنین خواسته‌ای دارد، باید خودش نیز این‌گونه باشد.

هرکس که می‌خواهد دیگران به اعضای خانواده او نظر سوء نداشته باشند، خودش هم باید چنین باشد. نظام هستی بر عدالت است. عمل هرکس عکس‌العملی دارد که قسمتی از آن در این جهان ظاهر می‌شود و تمام آن در آخرت.

اهداف ازدواج

۱- پاسخ به نیاز جنسی: ابتدایی ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می کشاند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، هرکدام از مرد و زن به یک آرامش روانی می رسند.

۲- انس با همسر: انسان، نیازمند به زندگی با دیگری است و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه ای است که اگر فردی از راه های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند، اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و ناآرامی او را آزار می دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می شود.

۳- رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر

رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادهی نمی‌تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم‌بخش وحدت روحی آنها است. آنان دوام وجود خود را در فرزند می‌بینند و از رشد و بالندگی او لذت می‌برند.

۴- رشد اخلاقی و معنوی: پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند، پس مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می‌دهند و با گذشت و مدارا و تحمل سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی، به درجات معنوی بالاتری نایل می‌شوند.

گروه آموزشی عصر

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعیت ندارد.

امام علی فرمود: «حُبُّ الشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ»: ۱۰۹

علاقه شدید به چیزی، آدم را کور و کر می‌کند.
علاقه و محبت به یک شخص، چشم و گوش را
می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند.»
پدر و مادر با محبت به فرزند، معمولاً مصلحت
او را در نظر می‌گیرند و به علت پختگی‌شان،
بهتر می‌توانند عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.
از نظر قرآن کریم، مهم‌ترین معیار همسر
شایسته باایمان بودن اوست.

راه‌های شناخت همسر

تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی
که منشأ آن تنها هوس‌های زودگذر است، اشتباه
کرد. در این معاشرت‌ها، معمولاً احساسات بر هر دو
نفر حاکم می‌شود و دختر و پسر شخصیت واقعی
خود را پنهان می‌کنند و هر طرف اصرار دارد خود
را بهتر از آنچه هست نشان دهد تا محبوب دیگری
واقع شود. معمولاً، بیشتر این معاشرت‌ها به ۱۱۰

سستی رابطه و جدایی می انجامند.

زمان ازدواج

آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ

جنسی و دیگری بلوغ عقلی

پیامبر اکرم فرمود: «کسی که ازدواج کند، نصف

دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف

دیگر از خدا پروا داشته باشد. برای دختران و

پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند

اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه

دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند.»

امام صادق فرمود: «دو رکعت نماز شخص

متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که

شخص مجرد می خواند.»

اگر فردی بخواهد به شیوه‌ای غیر از شیوه‌های

مطرح شده از سوی دین به نیاز جنسی

خود پاسخ دهد، در آن صورت، لذت آنی **۱۱۱**

برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این‌گونه اشخاص، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند.



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir